

دستور نویسی

در دوره تنظیمات*

در دوران عثمانی، که دوران اهتمام و توجه به زبان فارسی است، نمی‌توان تاریخ تألیف نخستین دستور زبان فارسی را محدود کرد. در نیمه اول قرن دهم هجری دستوری معتبر بنام قواعد الفرس تألیف یافته^۱ که مؤلف آن کمال پاشازاده^۲ می‌باشد و با در نظر گرفتن اینکه کمال پاشازاده در سال ۹۴۰ وفات یافته می‌توان گفت که قدیمی‌ترین نسخه قابل اعتماد همین قواعد الفرس می‌باشد. اگر به تاریخ دستور زبانهای که در فهرست کتابخانه‌های ترکیه موجود است رجوع کنیم ثابت می‌شود که تمام نسخه‌های موجود از تاریخ تألیف قواعد الفرس تا سال ۱۳۳۸ نوشته شده است.

مصطفی ابن ابی بکر سیواسی مؤلف المفاتیح الدریه فی اثبات القوانین الدریه^۳، عبدالله صلاح الدین متخلص به صلاحی^۴ مؤلف شرح قواعد فرس و مفاتیح دریه و وحیی سلیمان بن ابراهیم^۵ و دیگران مؤلفانی بودند که تألیفاتشان بدو منظور بوده است:

اولا از نظر دینی که زبان فارسی مانند عربی زبان اهل بهشت است.
ثانیا از نظر عرفانی که برای خواندن آثار صوفیان و عرفاء بوده است.

* این مقاله در سومین جلسه علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی به همین

و اما روش تألیف ایشان همان روش ابن مالک در الفیه می باشد:
 کلامنا لفظ مفید کاستقم اسم و فعل ثم حرف الکلم
 و جماله همان جمله اسمیه است:
 مبتداً زید و عاذر خبر ان قلت زید عاذر من اعتذر

یعنی صرف و نحو عربی را معیار و مقیاس قرار می دادند. مولفان این دوره از درک طبیعت زبان فارسی دور بودند. این روش در تألیف دستور زبان فارسی تا دوره تنظیمات ادامه داشت. در سال ۱۲۵۵ که آغاز دوره تنظیمات می باشد دستور زبان روبه بساطت و سادگی نهاد و یک دیدگاه نو در تألیف آن پدیدار گشت.

اکنون برای روشن شدن مطلب باید کلماتی چند درباره تنظیمات گفته شود. تنظیمات یک رستاخیز اداری برای تغییر اوضاع در دولت عثمانی و تبدیل نابسامانی و اضطراب در آن بوده است، جهت بهبودی و پایداری و ثابت کردن صلاحیت آن دولت برای زیستن. این جنبش از قرن یازدهم هجری شروع شد و به سال ۱۲۵۵ در زمان سلطان عبدالمجید صورت کامل را بخود گرفت.

ابتدای دوره تنظیمات معلوم است یعنی سال ۱۲۵۵ که اعلام فرمان سلطانی معروف به خط همایون گلخانه می باشد ولی درباره تاریخ پایان آن چهار رأی مختلف وجود دارد.

اول تاریخ ۱۲۸۷ که تاریخ وفات علی پاشا می باشد بعد ۱۲۹۲ یعنی اعلام مشروطیت اول ۱۳۲۴ اعلام مشروطیت دوم و ۱۳۲۸ پایان امپراطوری عثمانی ولی ما تاریخ ۱۲۹۲ را بردیگران ترجیح می دهیم این هم بنام یک سیستم درست تر و علاوه بر این تنظیمات فرهنگی تا به این سال ادامه دارد.^۶

این جنبش شامل همه جنبه های زندگی و ضمناً جنبه فرهنگی، اعم از مدارس علوم می گردد به خصوص زبان که موضوع بحث ما است.

از جمله اصلاحات فرهنگی احتیاج به یک مکتبی بود که در آن علاوه بر

زبان خارجی علوم دیگر نیز تدریس شود بدین منظور مکتبی بنام «مکتب معارف عدلیه» تأسیس شد. یکی از مواد مقررات این مکتب این بود که آنها که می-خواهند به استخدام دولت در آیند باید عربی، فارسی، هندسه، جغرافیا، تاریخ، علوم سیاسی و زبان فرانسه را یادگیرند^۲ این ماده نشان می دهد ضرورت تحول ریشه داری که هدف تنظیمات بود.

واقع این است که تنظیمات، افکار مردم را دگرگون کرد و فکر آنها را از انحصار در تمدن شرقی به تمدن غرب گرائید. وقتی که تنظیمات شروع شد مدارس قدیم مانند «صحن ثمان» که سلطان محمد فاتح بعد از فتح استانبول روی خرابه های کلیسای حواریون برپا کرده^۳ و مدت چهارصد سال وظیفه خود را انجام می داد به تدریج از بین رفت این مدارس که از لحاظ تشکیلات و ذهنیت معارف مثل فرهنگ عرب بود^۴ بعد از تنظیمات این تبعیت مطلب تعصب آمیز برای ریختن همه چیز در فرم و قالب عربی از بین رفت. و گشادگی فکر و میل تجدد و ترقی در آن حاصل شد و در حالیکه قبلاً اغلب مؤلفان در نوشته های خود به قسمتی از صرف و نحو توجه داشتند حالا زبان در حد خود بعنوان علم قائم بالذات در نظر گرفته شد و ملاک اقتضای یاد گرفتن زبان دگرگون شد و بعد از اینکه در دین و عرفان تنها محصور بود به دین و دنیا اعم از اجتماع، اقتصاد، نظام و فرهنگ وسعت یافت: و زبان برای خود زبان لازم بود. پس تنظیمات ضرورتی را که سبب تحول در دستور نویسی بود بوجود آورد.

اکنون مجموعه کتاب های دستور زبان که در دوره تنظیمات تألیف یافته و در دسترس ما می باشد به ترتیب سال چاپ ذکر می شود تا بتوان تحولی را که از این دوران پدیدار گشته نمایان ساخت.

۱- تصریفات فارسیه تألیف سید حافظ عثمان وهبی بن ابراهیم بولوری که بزبان ترکی به سال ۱۲۶۷ هجری نگاشته شده.

۲- قواعد فرسیه و نظام الکلام تألیف علی بن محمد الجالی بزبان عربی در

سال ۱۲۶۹. بچاپ رسیده.

۳- تفسره فارسی تألیف سید محمد جمال‌الدین بن سید محمد علی فتحی
الرسجقی که بزبان ترکی به سال ۱۲۸۱ هجری بچاپ رسید.

۴- در القواعد الفارسی تألیف عثمان الطرسوسی بن خلیل بزبان ترکی
در سال ۱۲۸۵ تألیف یافت.

۵- گلزار قواعد فارسی تألیف حافظ ابراهیم بزبان فارسی به سال ۱۲۸۹
بچاپ رسید.

۶- دستور سخن مؤلف آن حبیب اصفهانی بزبان فارسی در سال ۱۲۸۹
نوشته شد.

۷- قواعد لسان فارسی که مولفش معلوم نیست به زبان ترکی در سال
۱۲۹۱ تألیف شد.

همه این کتب کم و بیش خود نمایانگر پیشرفت و تحول که در دستورنویسی
حاصل شد هستند و هر کدام از آنها نمونه‌ای از پیشرفت خواه در شکل و خواه
در موضوع می‌باشند و برای اینکه جوانب پیشرفت آنها گفته شود نمونه‌ای از
آن را می‌آوریم.

مؤلف کتاب قواعد لسان فارسی رأیی بخصوص درباره صرف و نحو و
یادگرفتن آن دارد و می‌گوید: *مجموع علوم انسانی*
یادگرفتن زبان بدو طریق می‌باشد، یکی عملی و دیگری علمی.

طریقه عملی یادگرفتن معنی کلمات زبان خواه مفرد خواه مرکب از راه
شنیدن و بیان عقیده خود برای دیگران و استفاده از جواب آنان می‌باشد و از
اینجا است که قدرت در زبان حاصل میشود. اما از این طریقه نمیتوان برای
نوشتن و تحریر استفاده کرد.

طریقه دوم که علمی است عبارتست از اینکه تنها کلمات مفرد مستعمل
زبان باماده اصلی آن استماع شود یا از کتب لغت استنباط گردد و بعداً بدون

استماع، کلماتی که از آن ماده متفرع و مشتق میشود و انواع مرکبات و تصریف و ترکیب سبب وجود ملکه استخراج و استنباط گردد و با تمرین چه شفاهی و چه تحریری برای استفاده از این زبان کسب اقتدار شود. از این نظر طریقه علمی از طریق عملی اشرف و انفع است. برای طریق علمی اصول و قواعدی وضع و بیان شده اگرچه بآن از یک جهت علم صرف و از جهت دیگر علم نحو اطلاق شده و چون این دو علم در زبان عربی بغایت کثیر است برای تمایز از یکدیگر بطور رساله جداگانه تألیف شده ولی در زبان فارسی ملاحظه میشود که یک وجه شامل هر دو میباشد و مجموع این دو یک علم بشمار میرود. و این بنده عاجز نیز همانطور کرده ام.

این کتاب دارای دو جزء است یکی صرف و دیگری درامثله مختلف فارسی. جزء اول دارای مقدمه ای در علم صرف، مصدر، فعل، شبه فعل، اسم، صفت، نایب اسم (ضمایر و مبهمات)، ادوات و فصلی در بیان مرکبات که عبارت از انواع جمله است میباشد.

راجع به اشتقاق چنین گوید: «فصل مضارع مانند فعل ماضی از مصدر مشتق میباشد. و آن به حذف نون مصدری و ساکن کردن دال و قلب «تار» به «دال» و مفتوح کردن ماقبل دال... الخ میباشد»

در ادامه آن چنین گوید: «امر حاضر با حذف دال آخر مضارع و ساکن کردن حرفی که ماقبل آن است درست میشود و باول آن «باء مسکوره میافزایند.»

اما خاتمه کتاب عبارتست از تبدیل حروف بیکی دیگر که برای نخستین بار بیک ناحیه حقیقی از طبیعت زبان فارسی مواجه میشویم.

با مقایسه آثار این دوره با آثار دستور نویسان قبل از تنظیمات آشکار میشود که تحولی بزرگ در شکل تألیف و مقصور از آن بوجود آمد:

اول: انتقال تألیف از زبان عربی به زبان عثمانی و گاه به فارسی سبب

شد که همه طبقات مردم اعم از عالم نحوی و ادیب دست به تألیف بزنند و لشگری و کشوری هم در این راه با آنان همگام شدند.

دوم: قصد از تألیف رفع نیاز مدارس نو و برای خدمت به نسل نوین بود و لذا سطح تألیف هم سطح فهم این مدارس بود و منظور از این نیست که تألیفات بزرگ و در سطح بالاتر وجود نداشت بلکه دستورهای مفصل و جامع هم بود ولی مختصر و خلاصه آنها هم وجود داشت.

سوم: چاپخانه هم در تحول کتاب از لحاظ شکل و کتابهایی که باشیوه و اسلوب فنی و نو بوجود آمد اثری بسزا داشت.

چهارم: روش تألیف هم از روی متدهای نوین نباشد و مطالب بصورت سؤال و جواب در کتابها معمول گردید و تمرینات و تکالیف آورده شد و مشارکت درس میان استاد و شاگرد بصورت عملی در آمد و بیم گم شدن در کتابهای قدیم از بین رفت و شاگرد از صورت تجریدی ذهنی صرف بصورت ممارسه عملی و شرکت با استادش در حرف زدن و حل تمرین، زبان را تلقی کرد.

پنجم: تألیف در این دوران تنها منحصر بدستور نیست و این نحوه عملی وسعت یافت تا اینکه تألیفات بخصوص برای نصوص و تمرین شاگردان بر این نصوص و دستور زبان آن بوجود آمد. بلکه تألیفات دیگری در کتب مخصوص به نصوص و آثار ادبی از همه دورانها و حتی در تاریخ ادبیات فارسی هم تألیف شد و همراه کتب دستوری منتشر گردید.

این روش و طرز تألیف تحول یافته پایه حقیقی زبان فارسی را بوجود آورد که تا به امروز در تدریس و تألیف مورد استفاده ما هست و اثر آن در پیشرفت یاد گرفتن زبان فارسی آشکار است.

«مراجع»

- ۱- کمال پاشازاده شمس‌الدین احمد بن سلیمان (۸۷۳-۹۴۰)؛ قواعد الفرس؛ کتابخانه سعد افندی- استانبول- شماره ۲/۱۷۵۵؛ ۱۳ ورق، خط نسخ
- ۲- کمال پاشازاده دو اثر دیگر در دستور زبان فارسی باسم دقایق الحقایق ورساله یائیه دارد.
- ۳- سیواسی مصطفی بن ابی بکر؛ مفاتیح الدریه فی اثبات قوانین الدریه؛ کتابخانه بغدادی وهبی افندی؛ شماره ۲۱۲۱/؛ ۷ ورق؛ خط تعلیق.
- ۴- صلاحی؛ شرح مفاتیح الدریه وقواعد فرس، کتابخانه توپ قاپو سرای موزه‌سی؛ شماره ۲۱۲۳؛ ۳۴ ورق
- ۵- وحیی سلیمان بن ابراهیم؛ قواعد فارسی؛ کتابخانه دارالمثنوی؛ شماره ۵۷۷، ۴۵ ورق؛ خط نستعلیق.
- ۶- Cemil Bilsel; Tanzimatın Harici Siyaseti; استانبول؛ ۱۹۴۰م؛ ص ۳۳
- ۷- Sadrettin Celal Antel; Tanzimat Maarifi; استانبول؛ ۱۹۴۰م؛ ص: ۸
- ۸- M. Serafettin Yaltwaya; Tanzimattan Evvel ve Sonra Medreseler; استانبول؛ ۱۹۴؛ ص: ۱۰
- ۹- Sadrettin Celal Antel; Tanzimat Maarifi; استانبول؛ ۳۱۹۴۰؛ ص: ۱۹